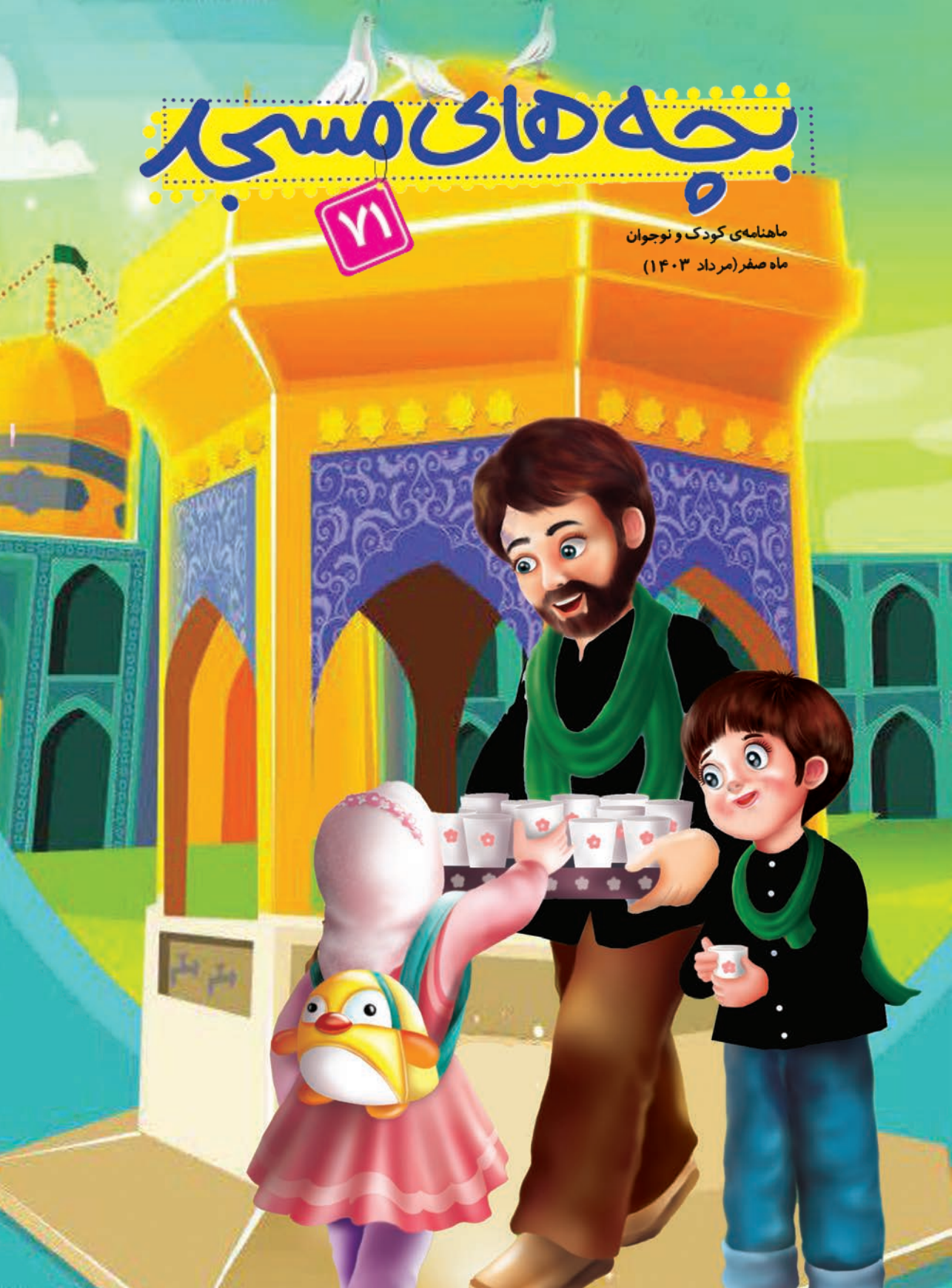


بچه‌های مسجد

۷۱

ماهنامه‌ی کودک و نوجوان

ماه صفر (مرداد ۱۴۰۳)



زنگ نقاشی

۱۴



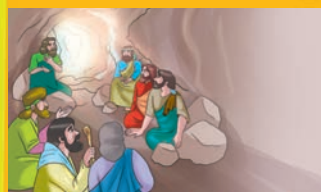
اولین زائر کربلا

۱۲



اصحاب کهف

۴



جدول

۲۳



کاردستی

۲۲



پیشگویی بحیرا

۲۰



مشخصات نشریه

موضوع: دین، کودک و زندگی

تصویرگر: فهیمه حقیقی، زهره اقطاعی و مرضیه

غضنفر

صفحه آرا: مرضیه غضنفر

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

عنوان: بچه های مسجد

پدید آور: مدیریت پژوهش مرکز رسیدگی به امور

مساجد استان های خراسان

مشخصات ظاهری: ۲۴ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)





بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بچه ها؛

می‌دونستید سلام یکی از نام‌های زیبای خداست و ما وقتی به همدیگه می‌رسیم، این نام رو به هم هدیه می‌کنیم؟ از قدیم گفتن سلام سلامتی میاره و هرکس زودتر سلام کنه، خدا از هفتاد ثواب سلام، شصت و نه ثواب رو بهش میده.

پس یک سلام گرم به شما بچه‌های خوبی که توی پیاده‌روی اربعین و یا پیاده‌روی زیارت امام رضا علیه السلام شرکت می‌کنید و به حرم میرید و به امام از صمیم قلب سلام می‌کنید. می‌دونم که امام حتما جواب سلام شما رو خواهد داد چون جواب سلام واجبه.

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲

اصحاب کَهِف

در زمان‌های دور، پادشاهی ظالم به نام دَقیانوس زندگی می‌کرد که پیروان حضرت عیسی (ع) را دوست نداشت و آن‌ها را شکنجه و اذیت می‌کرد. چند نفر از مردم آن زمان که انسان‌های مؤمنی بودند، از ظلم دَقیانوس خسته شدند و برای اینکه بتوانند با خیال راحت خدا را عبادت کنند و بدون ترس از کسی نماز بخوانند، از دست دَقیانوس فرار کردند. آن‌ها برای استراحت وارد غاری شدند و سگی که همراهشان بود دم در غار نشست و مراقب بود دشمنان وارد غار نشوند.

آن‌ها هفت نفر بودند که بعدها به اصحاب کَهِف معروف شدند. آن‌ها آن روز بعد از دعا و مناجات به خواب عمیقی فرو رفتند اما خدا خواست که آن‌ها ۳۰۰ سال بخوابند!

در این مدت بدن آن‌ها با معجزه خدا سالم ماند و وقتی بیدار شدند متوجه گذشتن این مدت طولانی نشدند و فکر می‌کردند فقط چند ساعت خوابیده‌اند!

قرار شد یکی از آن‌ها برای خرید غذا به بازار برود اما وقتی به بازار رفت، متوجه شد که همه چیز تغییر کرده است!! آن پادشاه ظالم مُرده بود و دین حضرت مسیح (ع) همه جا پیروان زیادی پیدا کرده بود و دیگر کسی از ترس پادشاه، ایمان خودش را پنهان نمی‌کرد. او با تعجب زیاد به غار برگشت و ماجرا را برای دوستانش گفت!

بچه‌ها به نظر شما ما چه درس‌هایی از داستان اصحاب کَهِف می‌تونیم

بگیریم؟ پاسخ خود را برای ما بفرستید

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲



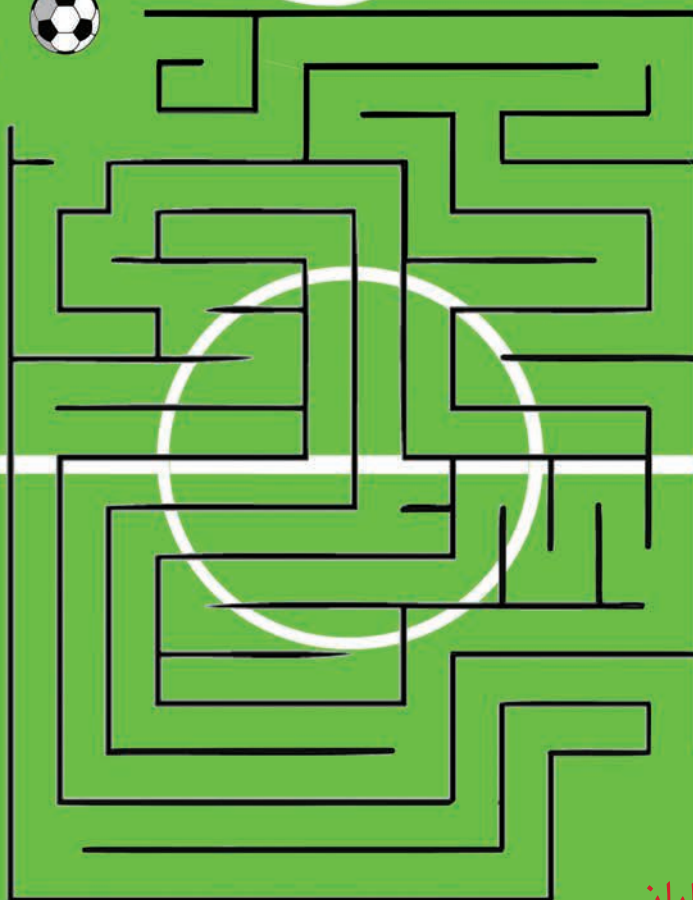
اختلاف تصاویر زیر را پیدا کنید!





مسیریاب

شروع



پایان



۱. آن چیست که دارا ندارد و ندار دارد؟
۲. هر بار دوش می گیرد کوچتر می شود
۳. حیوان درنده ای که برعکس آن را مردان دارند
۴. کدام گل است که با حذف کردن حرف اولش، روی آب شناور می شود؟
۵. هم بادکنک، هم خوردنی! اولش بامزه، آخرش بی مزه!

۱. بقیه
۲. شتر
۳. ماهی
۴. آینه
۵. شقایق



گرمای سوزان

تابستان امسال خیلی گرم است و مردم برای راحت شدن از دست گرما، کولر روشن می‌کنند. اما کولرها هم مانند وسایل برقی پر مصرف مثل جاروبرقی و لباس‌شویی، برق زیادی مصرف می‌کنند. مصرف زیاد برق هم یعنی خاموشی بعضی از خانه‌های مردم و راه‌حل این مشکل هم صرفه‌جویی کردن است.

اگر می‌خواهید شما هم فرد تاثیرگذاری در حل این مشکل بزرگ باشید، فقط کافی است حواستان باشد که اگر لامپ اضافی در خانه روشن است، آن را خاموش کنید.

به قول بابا برقی:

هرگز نشه فراموش
لامپ اضافی خاموش



آیا می دانید قد زرافه‌های نر گاهی به بیش از ۵,۵ متر می‌رسد؟
آیا می دانید زرافه‌ها تنها به ۴ ساعت و نیم خواب نیاز دارند؟
آیا می دانید حنجره زرافه تار صوتی ندارد و گنگ است؟
آیا می دانید که زرافه می‌تواند با زبانش گوش‌هایش را تمیز کند؟
آیا می دانید زرافه‌ها تمام شب را به درآوردن صداهای جالب می‌گذرانند
اما این صداها برای ما قابل شنیدن نیست؟
آیا می دانید ظاهر زرافه‌ی جنگلی بیشتر به گورخر شبیه است؟

آیا می دانید وزن زرافه بالغ
بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلوگرم
است؟

آیا می دانید زبان پنجاه
سانتی‌متری زرافه کمک
بزرگی برای اوست و باعث
می‌شود که راحت‌تر بتواند
گیاهان را جدا کند و بلعد؟

آیا می دانید؟



مخدون

یک روز در یخچال شنگول کنده میشه جاش پرده می‌ذاره!

معلم: بچه‌ها کسی می‌تواند بگوید چرا به بعضی از مگس‌ها، خرمگس می‌گویند. شاگرد: چون آن‌ها عقل درست و حسابی ندارند.

میدونی زرافه ماست بخوره چی میشه؟
تا برسه به معده‌اش تبدیل به دوغ میشه.

پرویز به دوستش گفت: فرق میان آموزگار و دماسنج چیه؟
دوستش گفت: هیچی! چون هر کدوم صفر نشون بده تن آدم می‌لرزه.

محمود: من از بس گوشت گاو خوردم، پُر زور و قوی شدم.
مسعود: پس چرا من این‌قدر ماهی می‌خورم، شنا یاد نمی‌گیرم.

اولی: چرا ماهیا نمیتونن حرف بززن؟
دومی: تو خودت اگر دهنّت پر از آب باشه می‌تونی حرف بزنی؟



شما هم لطیفه‌های
خودتون رو برای
ما بفرستید:

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲

اولین زائر کربلا



جابر بن عبدالله انصاری پیرمردی بزرگوار و از یاران باوفای پیامبر ﷺ بود. او در کهن سالی نابینا شده بود لذا نتوانست به همراه امام حسین (علیه السلام) در کربلا حاضر شود. او پس از اطلاع از شهادت امام و یاران باوفایش به همراه عطیه‌ی عوفی با پای پیاده از مدینه به سوی کربلا حرکت کرد و در صبح اربعینی (چهلمین روزی) که از شهادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌گذشت به کربلا رسید.

جابر پیش از زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) به نزدیک رود فرات رفت، غسل کرد و لباسی همانند لباس احرام حاجی‌ها پوشید. خودش را معطر کرد و سپس به سوی قبر سیدالشهدا (علیه السلام) رفت و به زیارت پرداخت.

حضرت زینب کبری و
امام سجاد علیه السلام نیز از شام
به سمت کربلا راهی
شده بودند و در همان
روز یعنی روز اربعین به
همراه هشتاد و چهار نفر
وارد کربلا شدند و آنجا با
جابر بن عبدالله انصاری
دیدار کردند و همگی در
آنجا عزاداری نمودند.
بنا به همین سنت،
بسیاری از دوستداران
امام حسین علیه السلام نیز همه
ساله در روز اربعین با
پای پیاده برای زیارت
قبر ایشان راهی کربلا
می شوند.

**به نظر شما بهترین کار در
روز اربعین چیه؟**

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲





زندگی نقاشی



امام صادق علیه السلام:

بهترین اعمال نزد خداوند نماز اول وقت است. پس از آن
نیکی به پدر و مادر و پس از آن جهاد در راه خدا است.

(بحار انوار، ج ۳، ص ۸۵)



پدر و مادر از این که رقیه کوچولو فلج شده و نمی‌تواند حرف بزند خیلی ناراحت بودند. پدر دخترش را نزد بهترین دکتر برد و گفت: شما را به خدا قسم هر کاری از دستتان ساخته است، برای سلامتی رقیه انجام دهید.

پدر به همراه رقیه به زیارت امام رضا علیه السلام رفتند. رقیه در کنار پنجره فولاد روی ویلچر نشسته بود. پدر با دلی شکسته مشغول مناجات با خدا شد که از شدت خستگی چند ثانیه‌ای چشمانش بسته شد و خوابید. در همان حال خواب و بیداری دید که ضریح امام رضا علیه السلام شکافته شد و مرد زیارویی به سمتش آمد.

دکتر حرف پدر را قطع کرد و گفت:
- متأسفانه از من کاری ساخته نیست، اما ناامید نباشید. من دکتر خوبی در مشهد می‌شناسم. روی کاغذ آدرس حرم امام رضا علیه السلام را نوشت و به دست پدر داد. پدر همان روز بلیط سفر به مشهد را تهیه کرد و همه راهی مشهد شدند.

آن مرد کنار پدر نشست و با محبت گفت:
- اینجا چه می‌خواهی؟

پدر گفت:

- برای حاجتی آمده‌ام. دختری دارم که خیلی مریض است و فلج شده است.

مرد با شال سبزی که برگردن داشت، چشم‌های اشک‌آلود پدر را پاک کرد و با مهربانی به او گفت:
- برخیز و به نزد دخترت برو. حال او خوب می‌شود.

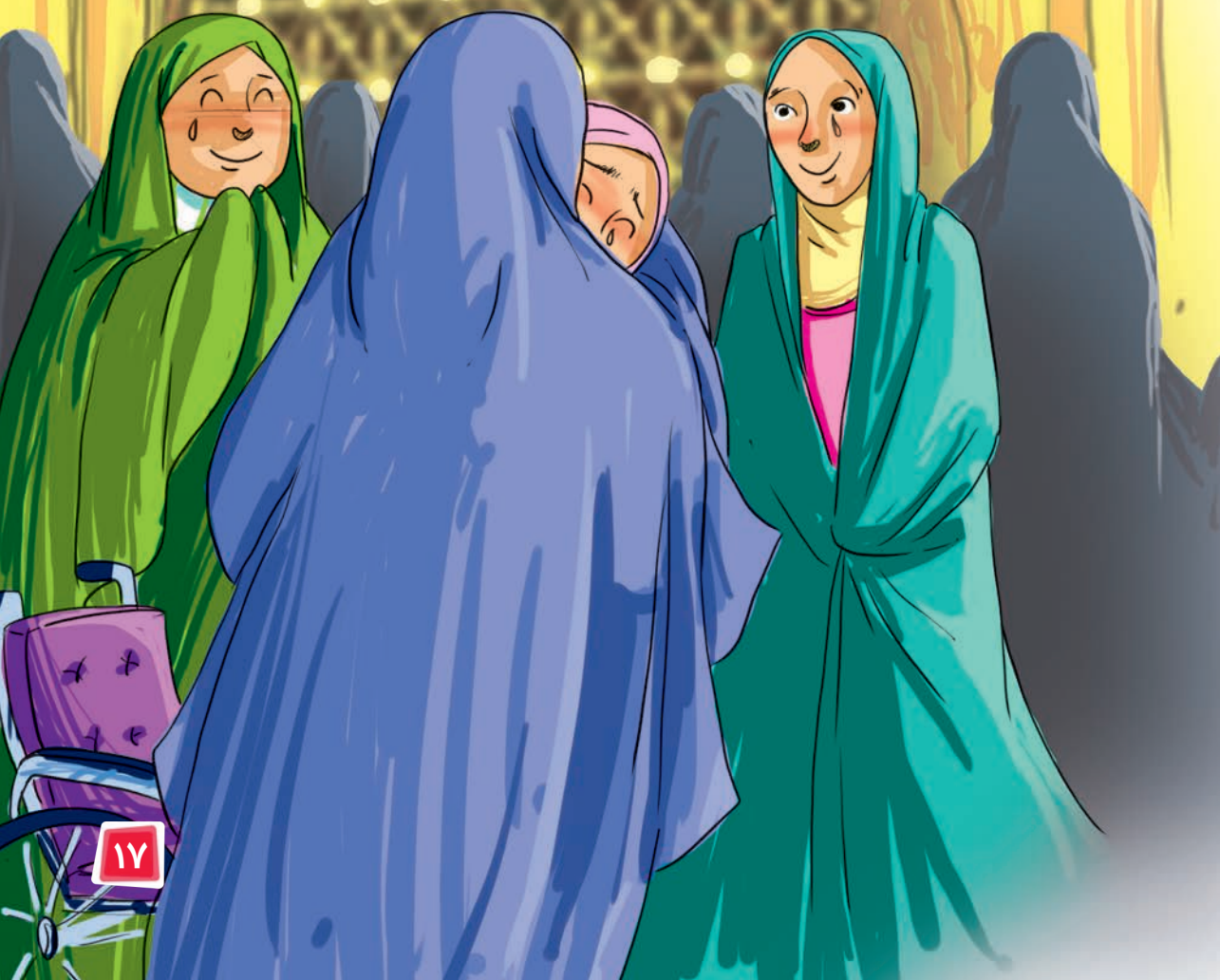
پدر پس از شنیدن این جمله به خودش آمد و دید خبری از آن مرد نیست. نگران از جا برخاست و به سمت دخترش رقیه رفت!

همین که به رقیه رسید، چشمش به زنانی افتاد که اطراف پنجره فولاد، رقیه را در آغوش می‌کشیدند. پدر متوجه شد که آن مرد امام مهربانی‌ها بود.

آری، اکنون او به دست مهربان امام رضا علیه السلام شفا گرفته بود



شفا گرفتن رقیه



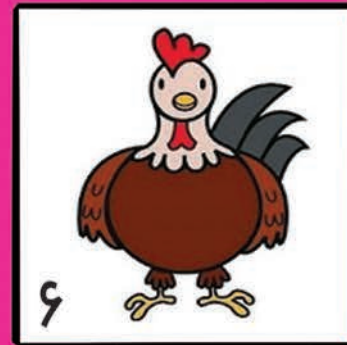
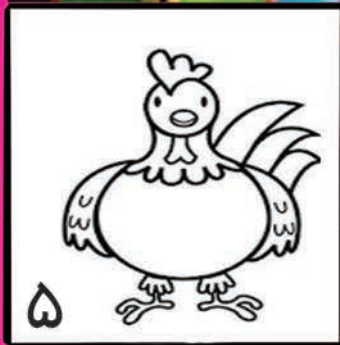
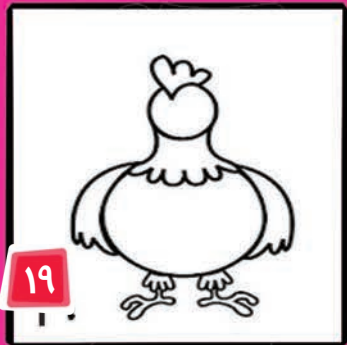
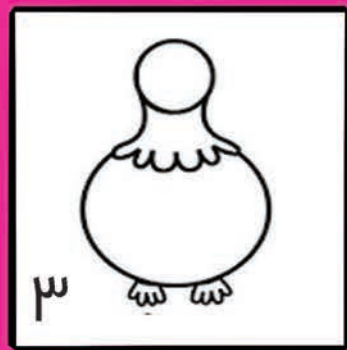
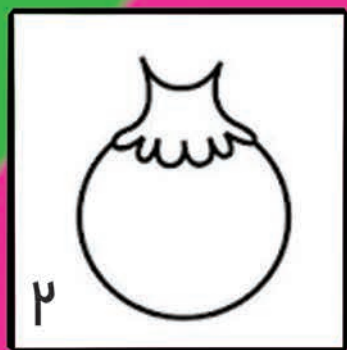
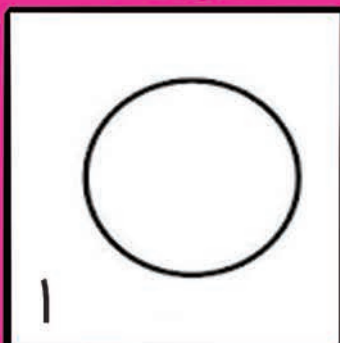
بچه‌ها می‌پرسند...

چرا خدا آدم‌های بد را به جهنم می‌برد؟

برای پاسخ به این سوال چند مثال می‌زنم:
* وقتی شما در فصل سرد زمستان با لباس نامناسب بیرون بروید، نتیجه‌اش می‌شود سرماخوردگی؛
* و وقتی غذایی که فاسد شده است را می‌خورید نتیجه‌اش می‌شود مسمومیت و دل درد؛
* اگر شما درون چشم خود شیء نوک‌تیزی فرو کنید چشمتان آسیب می‌بیند و شاید کور شوید؛
می‌بینید که هر یک از اعمال بالا چه تأثیری بر جسم ما دارد و با انجام آن‌ها جسم ما آسیب می‌بیند. گناه هم مانند یک بیماری است اما گناه به روح ما آسیب می‌زند و این آسیب روحی دردناک‌تر و سخت‌تر از آسیب جسمی است. جهنم جایی است که افراد گناه‌کار که به روح خود آسیب زده‌اند در آنجا هستند و عذاب آن‌ها از همان آسیبی است که گناه به آن‌ها زده و جهنمی‌ها از بیماری خودشان رنج می‌برند تا کم‌کم اثرسم و بیماری گناه از روحشان خارج شود.

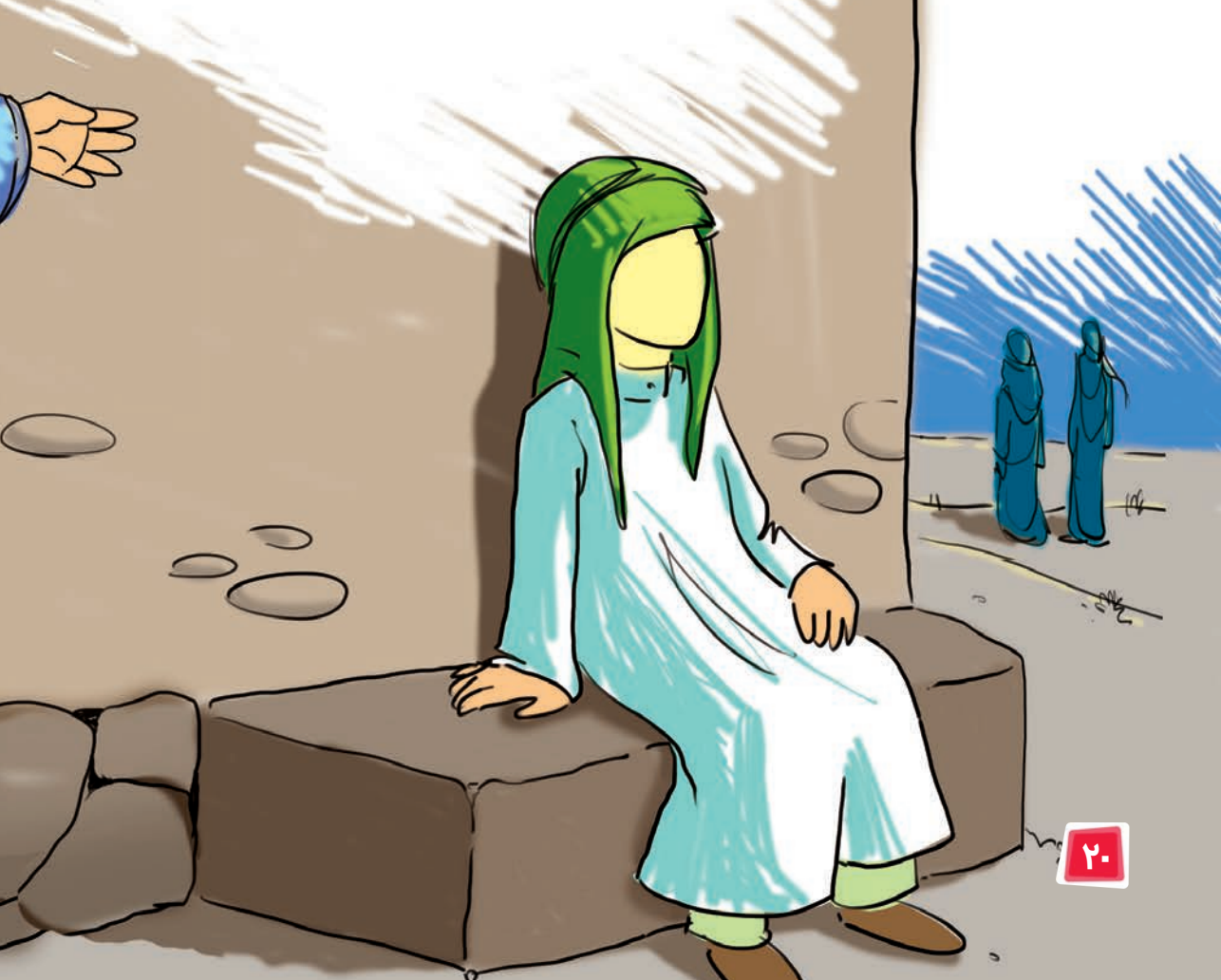


زنگ طراحی



پیشگویی بحیرا

در یکی از سال‌ها، حضرت ابوطالب عموی پیامبر همراه کاروان قریش برای تجارت عازم شهر شام شد و حضرت محمد ﷺ که در آن ایام یک نوجوان کم سن و سال بود به همراه حضرت ابوطالب در این سفر حضور داشت. زمانی که کاروان به منطقه‌ی بُصری رسید، در کنار صومعه‌ای (محل عبادت مسیحیان) استراحت کردند. در آن صومعه، راهبی (روحانی مسیحی) به نام بُحیرا زندگی می‌کرد که دانشمند بزرگ مسیحیان بود. در میان جمعیت، برادرزاده‌ی حضرت ابوطالب یعنی حضرت محمد ﷺ، توجه وی را جلب کرد؛ زیرا برخی از نشانه‌هایی را که او درباره‌ی پیامبر موعود می‌دانست، در محمد ﷺ مشاهده کرد. بُحیرا کسی بود که سالیان درازی در انتظار پیامبر موعود یعنی حضرت محمد ﷺ زندگی می‌کرد. او پس از اندکی گفت و گو با محمد ﷺ و پرسیدن پرسش‌هایی از او متوجه شد این نوجوان همان پیامبری



است که پیامبران قبل وعده‌ی آمدنش را داده بودند. او به حضرت ابوطالب سفارش کرد که از این نوجوان محافظت کند و مراقب باشد یهودی‌ها به او آسیبی نزنند.

منبع: بحارالنوار ج ۱۵ ص ۴۰



کاردستی با لوازم دور ریختنی

وسایل مورد نیاز:

۱- کاموای رنگی ۲- چسب ۳- بطری شیشه‌ای

بطری شیشه‌ای را بردارید و کاموایی را با دقت به دور آن پیچید. دقت کنید کاموها را با نظم، دور بطری پیچید. در آخر، ابتدای کامو و انتهای آن را با چسب مایع بچسبانید. شما می‌توانید از کاموایی با رنگ‌های مختلف برای پیچیدن به دور بطری استفاده کنید. شما اکنون یک جا مدادی و یا یک گلدان شیشه‌ای زیبا دارید.

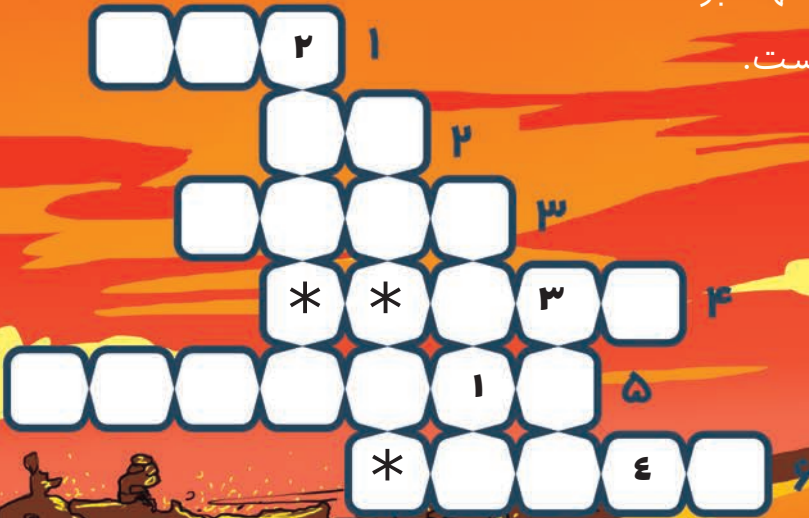




رمز جدول را به صورت
زیر برای ما ارسال کنید.
شماره: ۳۰۰۰۸۴۱۲

نام، نام خانوادگی، شهر،
نام مسجد، رمز جدول

۱. لقب امام هشتم ما شیعیان است.
۲. شتر چند پلک دارد؟
۳. همراه با جابر اولین زائر کربلا بود.
۴. نورش از خودش نیست.
۵. پادشاه زمان اصحاب کهف بود.
۶. رنج جهنمی‌ها از آن است.





نشریه‌ی **بچه‌های مسجد**، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد استان‌های خراسان در بین بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.

شما خواننده‌ی گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خودتان را به سامانه‌ی پیامکی **۳۰۰۰۸۴۱۲** ارسال نمایید.